

## چشم انداز باستانشناسی محوطه استقرار شریف آباد در کرانه رودخانه گاماسیاب زاگرس

## مرکزی

علی نوراللهی

پژوهشگر دکتری تخصصی باستان شناسی و میراث فرهنگی

alinorallahy@yahoo.com

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۹/۳۰ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱۱/۳)

## چکیده:

تپه شریف آباد یا سلگی (A&B) از محدود محوطه‌های استقراری وسیع و بزرگ حوزه رودخانه گاماسیاب در دشت نهاوند است. این محوطه محل تلاقی راه‌هایی باستانی و قدیمی که از صحنه، هرسین و کنگاور به سمت نهاوند و محوطه گیان می‌رود، می‌باشد. در بررسی این محوطه سفال‌هایی از دوره مفرغ قدیم (گودین IV- یانیق - کورا ارس) و سفال‌های مربوط به گودین II, III و سفال‌های دوران تاریخی بدست آمد. مطالعه این سفال‌ها نشان‌دهنده تبادلات فرهنگی گسترده این ساکنان این محوطه استقراری در دوران‌های مفرغ و آهن با نواحی شمال غرب و نواحی همجوار می‌باشد. علاوه بر این بررسی وضعیت پیرامونی این محوطه استقراری چشم انداز کاملی از شیوه معیشت و استفاده از منابع زیستی و تعامل با محیط را در اختیار ما می‌گذارد. از جمله دلایل مکان‌یابی و توسعه این استقرار در دوره مفرغ و آهن که متاثر از منابع آب و دسترسی آسان‌تر به آن (کانال‌های آبرسانی) و زمین‌های حاصلخیز کشاورزی بوده است، مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله ضمن ارائه مختصری از وضعیت جغرافیایی منطقه و تاریخچه پژوهش‌های باستانشناسی انجام شده در نهاوند، در ادامه به بررسی وضعیت محوطه شریف آباد و توصیف و تحلیل و گاهنگاری آنها بپردازم و در پایان نیز کوشیده‌ام جمع‌بندی از مطالب ارائه نمایم.

واژگان کلیدی: زاگرس مرکزی، عصر مفرغ، عصر آهن، دشت نهاوند، تپه شریف آباد.

## مقدمه

شهرستان نهاوند از شهرستان‌های استان همدان می‌باشد که در ۱۲۵ کیلومتری جنوب همدان قرار گرفته و شهر نهاوند در دامنه شمال کوه گرین و در جلگه‌ای نسبتاً مرتفع بنا شده<sup>۱</sup> و رودخانه گاماسیاب از ۲ کیلومتری جنوب و ۱ کیلومتری غرب آن می‌گذرد (فرهنگ جغرافیایی همدان ۱۳۸۰: ۴۵۵). در شمال آن کوه سفید، کوه ملوسان، برجک، آردیشو، قیئل، باروداب، عشوند و کله‌خو واقع شده است و در جنوب آن کوه گرو (این کوه دنباله کوه‌های شاهور، پاوه، و روانسر بیستون می‌باشد که به موازات کبیرکوه با فاصله چند رشته ادامه دارد) می‌باشد (سیدان ۱۳۷۹: ۳۹-۴۲). در بین این کوه‌ها دشت حاصلخیز نهاوند که دارای عرض ۴ الی ۱۲ کیلومتر می‌باشد واقع شده است (افراسیاب پور ۵۳-۵۵: ۱۳۸۱). این دشت از شمال به ملایر و توسرکان و از غرب به دره کنگاور و از جنوب با استان لرستان همجوار است و از نظر زمین شناسی به سه قسمت کوهستانی، دشت جلگه‌ای، جنگلهای درختی و درختچه‌ای تقسیم می‌شود (شایان ۱۳۷۸: ۹۰-۱۰۱) و همچنین در طول این دشت سراب‌ها و چشمه‌های متعدد دائمی و فصلی وجود دارد، که مهمترین این سراب‌ها، سراب گاماسیاب و سراب گیان می‌باشد که سرچشمه اصلی رودخانه گاماسیاب است. این رودخانه نقش مهمی در زه‌کشی دشت نهاوند دارد،

بطوریکه بیشتر روستاهای این ناحیه در حاشیه یا در کنار یکی از سرشاخه‌های منتهی به این رودخانه شکل گرفته‌اند و باعث رونق کشاورزی و باغداری شده است. علاوه بر این این رودخانه دارای انواع ماهی‌ها و صدف‌های آب شیرین است که امروزه تعدادی از مردم و روستائیان با صید ماهی از آن بخشی از نیازهای خود را برطرف می‌کنند و این رودخانه پس مشروب ساختن دشت به سمت غرب جریان می‌یابد سپس وارد گنگاور می‌شود و از آنجا به بعد آب‌های دیگری از جمله قره سو و رزآور به آن می‌پیوند و وارد استان ایلام شده و سیمره نامیده می‌شود و در اینجا به بعد رود کشکان و آب‌های دیگری به آن می‌ریزد و کرخه نام می‌گیرد. این رودخانه در شکل‌گیری فرهنگ‌های پیش از تاریخ و تاریخی زاگرس مرکزی نقش مهمی داشته است (نوراللهی ۱۳۹۴ الف: ۳۶۰). همچنین این رودخانه در اقلیم و آب و هوای نهاوند نیز تاثیر زیادی گذاشته و سرمای زمستانی و گرمای تابستانی این دشت را تا حدود زیادی تعدیل کرده و به همین دلیل آب و هوای این ناحیه جزو معتدل کوهستانی به حساب می‌آید. به گونه‌ای که در بین شهرستان‌های استان همدان، کوتاه‌ترین دوره یخبندان در این منطقه رخ می‌دهد (شکل ۱).

## پیشینه پژوهش

<sup>۱</sup> - کوه گرین - در قسمت مشرف به سرچشمه گاماسیاب - با ارتفاع ۳۱۸۸ متر و پست ترین نقطه نهاوند که پست ترین نقطه استان نیز محسوب می‌شود محل

خروج رودخانه گاماسیاب از استان همدان با ارتفاعی معادل ۱۴۲۰ متر از سطح دریاست.

## چشم انداز باستانشناسی محوطه استقرار شریف آباد.....

در عمق ۱۹ متری از سطح محوطه مشخص شد کاوشگران برای اطمینان بیشتر چند متر بیشتر کاوش را تا عمق ۲۱/۵ متری از سطح محوطه ادامه دادند (Contenau and Ghirshman 1935: 4-). سر اورل استین در سال ۱۹۳۸-۱۹۴۰ م. دو محوطه چغا صیفل و جمشیدی را در این منطقه شناسایی کرد (Stain, 1940). خانم کلر گاف این منطقه را بررسی و سفال‌های این منطقه را معرفی نموده است (Goff, 1971). همچنین جودیت پولار این منطقه و دشت‌های همجوار را برای شناسایی استقرارهای نوسنگی بصورت محدود بررسی کرد (Pular, 1975) و اقدام به کاوش تپه عبدالحسین کرد (Pular, 1990). در سال ۱۳۷۹ ه.ش. محمود ایراندوست برای شناسایی آثار دوره ساسانی این ناحیه را مورد بررسی قرار داد (ایراندوست ۱۳۷۹). با توجه به مشکلات لایه‌نگاری محوطه گیان که به روش متریک انجام شده بود و لایه‌های آن مشخص نبود، در تابستان و پائیز سال ۱۳۸۲ ه.ش توسط مهرداد ملکزاده مورد کاوش بازننگری قرار گرفت که در طی آن به تعیین عرصه و حریم محوطه، گمانه زنی، لایه‌نگاری در مرکز تپه و کاوش پیگردی و بازشناسی گاه‌نگاری محوطه پرداخت و آثاری متعلق به عصر آهن III) کوشکی به سبک آشوری-مادی مربوط به تاریخ ۹۰۰ تا ۶۰۰ پ.م) شناسایی گردید (ملکزاده ۱۳۸۳). سپس این منطقه (بخش خزل و فیروزان) توسط یعقوب محمدی‌فر و عباس مترجم در سال ۱۳۸۲ مجدداً مورد

کاوش‌ها و پژوهش‌های باستانشناسی این ناحیه به بیش یک سده پیش برمی‌گردد. کاوش‌ها و حفاری‌های در این ناحیه ابتدا توسط ناصرالدین شاه قاجار در تپه بابا قاسم در شرق نهاوند صورت گرفت و لطمات جبران ناپذیری به این محوطه وارد آورد. اما کاوش‌های علمی به بررسی هرتسفلد در سال ۱۹۲۸ م. برای کشف منشاء ظروف سفالین و اشیاء مفرغی تپه گیان که از حفاری‌های قاجاق به دست آمده بودند و در آن زمان محل کشف آنها ناشناخته بود، برمی‌گردد، این ظروف سفالی توجه هرتسفلد را به خود جلب کردند و وی همان سال طی بررسی باستانشناسی در شرق لرستان موفق به شناسایی تپه گیان شد (Herzfeld, 1929). چند سال بعد، از پاییز سال ۱۹۳۱ تا اوایل سال ۱۹۳۲ م. این محوطه را جورج کتنو و رومن گیرشمن، باستانشناسان فرانسوی که از سوی موزه لوور پاریس اعزام شده بودند، در دو فصل مورد کاوش قرار دادند و نتایج آن در سال ۱۹۳۵ م. منتشر کردند (Contenau and Ghirshman 1935). تپه گیان ۳۵۰ متر طول و ۱۵۰ متر عرض دارد و ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف ۱۹ متر است. کاوش این محوطه به روش متریک انجام شده که در طی آن تعداد ۱۲۲ گور، پنج طبقه فرهنگی، چهار مرحله معماری، انواع ظروف سفالین سالم و شکسته، انواع ابزار و اشیاء فلزی، زیورآلات مختلف و غیره کشف گردید. کاوشگران پنج ترانسه در این محوطه ایجاد کردند و هرکدام از آنها را با حروف لاتین نامگذاری کردند، خاک بکر

است. این محوطه به صورت پیمایشی فشرده در دو نوبت در سال ۱۳۸۴ و سال ۱۳۹۳ آن از جمله بخش‌های شرقی و غربی آن مورد بررسی قرار گرفت و برای آگاهی از وضعیت دوره‌های استقرار آن از تمامی بخش‌ها نمونه‌های سفالی جمع‌آوری گردید<sup>۲</sup>. از طرف دیگر باتوجه به اینکه هر ساله کشاورزان و اهالی روستای شریف‌آباد بخشی از خاک آن را برای تسطیح مزارع کشاورزی برداشت می‌کنند، این قسمت‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت. باتوجه به وسعت زیاد و اینکه از دو بخش جنوب غربی و شمال شرقی تشکیل شده و بخش جنوب غربی آن (A) ۵ متر بلندتر از بخش دیگر (B) است. بنابراین برای سهولت در معرفی آن این دو بخش محوطه جدا از هم در این نوشتار مورد مطالعه قرار گرفتند. هرچند از نظر داده‌های سفالی و سطحی این دو بخش متعلق به یک دوره هستند و سفال‌های مختلف آنها با هم مشابه بوده و نشان دهنده استقرارهای همزمان در دوران‌های مختلف است. همچنین برای به دست آوردن اطلاعات از چگونگی شکل‌گیری این محوطه استقراری کانال‌های آبرسانی و کشاورزی که گاماسیاب جدا گردیده‌اند و به این محوطه می‌رسند نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند. این مقاله ضمن ارائه مختصری از وضعیت جغرافیایی و طبیعی نهاوند و تاریخچه بررسی‌ها و کاوش‌های انجام شده در این منطقه به بررسی و معرفی محوطه

بررسی قرار گرفت که در طی این بررسی ۴۴ محوطه مربوط به دوران‌های پیش از تاریخ تا اسلامی بررسی و معرفی شد (محمدی فر و مترجم ۱۳۸۲). محمدرضا سعیدی هرسینی در سال ۱۳۸۴ دشت نهاوند را بررسی کرد، در طی آن از ۳۶ محوطه بازدید شد که آثار آن از دوران مس سنگی تا دوران اسلامی را در بر می‌گرفت. از میان آنها ۱۶ محوطه، معرف آثار عصر مفرغ در منطقه بود (سعیدی ۱۳۸۴؛ طلایی و دیگران ۱۳۸۵). در همین سال (۱۳۸۴ ه.ش) معبد لائودیکه و دوخواهران توسط مهدی رهبر کاوش شد (رهبر و علی بیگی ۱۳۹۰). در سال ۱۳۸۴، علی نوراللهی (همکار) و نعمت الله سراقی تمام دشت نهاوند را مورد بررسی قرار دادند که در نتیجه این بررسی ۱۲۴ محوطه، مربوط به ادوار پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی شناسایی گردید (سراقی، ۱۳۸۵). همچنین در سال ۱۳۹۰ ه.ش. علی خاکسار، پروژه تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه گیان را به انجام رساند که طی آن ۲۷ گمانه آزمایشی حفاری شد (خاکسار ۱۳۹۱) و یک تدفین از عصر مفرغ میانی (گیان IV و III) در این گمانه زنی‌ها به دست آمد (Hemati & Khaksar, 2013).

### روش بررسی

تپه استقراری شریف‌آباد یا سلگی محوطه‌ای است که در جهت شمال شرقی به جنوب شرقی کشیده شده

<sup>۲</sup> است. همچنین به علت برداشت خاک از وسعت و ابعاد محوطه تاحدودی کاسته شده است.

<sup>۲</sup> - این نوشتار نتیجه این دو بررسی و بازدید است. در بازدید سال ۱۳۹۳، از شمار داده سفالی سطح محوطه بشدت کاسته شده است، به گفته اهالی محل همه سفال‌ها توسط بازدید کنندگان و هیات‌های بررسی کننده پیشین جمع‌آوری شده

## چشم انداز باستانشناسی محوطه استقرار شریف آباد.....

این محوطه دارای طول (شرقی - غربی) ۴۰۰ متر و عرض (شمالی-جنوبی) ۳۹۰ متر می‌باشد و از دویخش جنوب غربی و شمال شرقی تشکیل شده و بخش جنوب غربی آن (A) بصورت تپه‌ای، مخروطی ۵ متر بلندتر از بخش دیگر (B) است، در مجموع امروزه این محوطه حدود ۴/۲ تا ۴/۵ هکتار وسعت دارد. احتمالاً وسعت محوطه بیشتر بوده که در اثر عوامل انسانی و طبیعی، امروزه کمتر شده است (شکل ۲).

### عوامل شکل‌گیری استقرار

عوامل چندی در مکان‌یابی و شکل‌گیری و تداوم محوطه استقرار شریف‌آباد در دوره مفرغ قدیم تا جدید موثر بوده اند که به دو دسته عوامل طبیعی و محیطی و عوامل انسانی تقسیم می‌شوند. عوامل طبیعی، یک دسترسی به آب برای کشاورزی، در این نقطه جریان تند رودخانه گاماسیاب به حداقل خود می‌رسد و با پیچی به سمت غرب ادامه می‌یابد. در واقع در این بخش جریان آب سوار بر دشت بوده و جدا کردن کانال‌ها و نهرها جهت آبیاری با کمترین هزینه امکان‌پذیر است. دوم مرتع و زمین‌های حاصلخیز ناشی از رسوبات رودخانه گاماسیاب برای کشاورزی که امکان کشت محصولات متنوعی (غلات و حبوبات و غیره) را فراهم و امکان‌پذیر ساخته است. دسته دوم انسانی نیز در شکل‌گیری این محوطه استقرار عبارتند از یکم گسترش ارتباطات و تبادلات تجاری و فرهنگی با دشت کنگاور بطوریکه

استقراری شریف‌آباد و چشم‌انداز آن در کرانه شمالی رودخانه گاماسیاب پرداخته‌ام و در ادامه به معرفی مجموعه سفال‌های بدست آمده از بررسی میدانی سال ۱۳۸۴ و بازدیدم در زمستان سال ۱۳۹۳ و همچنین تحلیل و گاهنگاری آنها و در پایان نیز جمع بندی از کلیه مطالب ارائه کرده‌ام.

### تپه شریف‌آباد

موقعیت  $34^{\circ}18'26.83"N, 48^{\circ}5'55.52"E$

جغرافیایی:

ارتفاع از سطح دریا: ۱۴۷۰ متر

روستای شریف‌آباد در ۲۸ کیلومتری غرب نهاوند، و در بخش خزل قرار دارد. ساکنان این روستا یکی از طوایف ایل خزل بنام سلگی و خزایی می‌باشند و مردمان آن دارای شیوه معیشتی کشاورزی (آبی و دیم) و دامداری هستند. این روستا در طی یکصد سال اخیر تغییرات زیادی کرده، بطوریکه روستای قدیمی در روی تپه شریف‌آباد متروک شده و روستای جدید در دامنه‌های شرقی تپه ایجاد گردیده و توسعه یافته است.

تپه شریف‌آباد یا تپه سلگی در ضلع غربی روستای امروزی شریف‌آباد، و در ۴۰۰ متری کرانه شمالی گاماسیاب واقع است. این محوطه در ۲۰ کیلومتری شمال غرب محوطه گیان و ۲۲/۵ کیلومتری جنوب گودین تپه کنگاور قرار دارد. در نزدیک و تقریباً ابتدای کریدور کوچکی است که دشت نهاوند را به دشت کنگاور متصل می‌کند.

خاکی کنارش ۱۷ متر و از سطح تپه کوچک شریف‌آباد (B) ۵ متر است. در ضلع غربی این بخش خاک‌های زیادی هر ساله توسط کشاورزان با تراکتور برای تسطیح زمین‌های کشاورزی (به ویژه زمین‌های آبی که نیاز است که تمام بخش‌های آن هنگام آبیاری همسطح باشد) برداشت می‌شود. آثار و بقایای این خاک‌های برداشت شده که هر ساله بالغ بر ده‌ها تن می‌شود. بصورت ترانشه‌های عمیق و وسیع دیده می‌شوند. علاوه بر این مورد که جهت غنی‌سازی و کود دهی به زمین‌ها صورت می‌گیرد، ساکنان روستا از خاک این محوطه برای ساختن خانه‌ها و اندود دیوارهای گلی نیز استفاده می‌کنند. در بخش‌های مختلف و بخش فوقانی این محوطه چاله‌هایی توسط حفاران غیر مجاز در شمال و جنوب تپه حفر گردیده است (شکل ۳-۱۰). دسترسی به این محوطه از طریق جاده‌ی آسفالته‌ی که از روستای کهریز جمال به سمت روستای شریف‌آباد کشیده شده، میسر است. در فصل تابستان کوچ‌نشانان (ترکاشوندها) که از نواحی گرمسیر برمی‌گردند، در میان زمین‌های کشاورزی نزدیک این محوطه همراه دام‌هایشان تا اواسط پائیز به سر می‌برند.

رودخانه گاماسیاب که در ۴۰۰ متری غرب آن با جهت جنوبی - شمالی در جریان است، این محوطه یکی از استقرارهای حوضه این رودخانه به شمار می‌رود. از دلایل شکل‌گیری این محوطه در این نقطه اینست که جریان رودخانه گاماسیاب در اینجا کم می‌شود علاوه بر این رودخانه در اینجا با یک خمیدگی

این محوطه در تقریباً ابتدای کریدورهای که نواحی شرقی و دشت تویسرکان و دشت نهاوند را به کنگاور، هرسین و صحنه متصل می‌کند واقع است و راه‌های قدیمی که از این سه منطقه به سمت گیان می‌روند، در نزدیکی محوطه شریف‌آباد به هم می‌پیوندند و یکی می‌شوند. این موضوع در داده‌های سفالی گودین III منعکس شده است. که پیوند و همگونی کاملی با نواحی همجوار نشان می‌دهد. مورد دیگر نزدیکی این استقرار به برجستگی و بلندی‌های کم‌ارتفاعی است که در حدود ۱/۵ تا ۲ کیلتری شمال آنرا واقع هستند. این ارتفاعات در مواقع لزوم می‌توانست به عنوان پناهگاه و محلی برای دور ماندن از خطرات ناشی از هجوم دشمنان مورد استفاده واقع شود. زیرا در این دوره بیشتر تهدید از جالب غرب بخصوص بین‌النهرین بوده است بطوریکه این موضوع در عدم گسترش فرهنگ گودین به نواحی غربی منعکس شده است. و در این دوره در ارتفاعات گرین (گرو) شاهد شکل‌گیری استقرارهای مربوط به این دوره هستیم (شکل ۱-۲).

### شریف‌آباد A

در غرب روستای شریف‌آباد که در محل به تپه بزرگ شریف‌آباد یا سلگی معروف است و در ارتفاع ۱۴۷۰ متری از سطح دریا واقع شده است به صورت مخروطی و با شیب نسبتاً تند به زمین‌های اطراف منتهی می‌شود و دارای مقطعی بیضی شکل به طول ۲۸۰ متر و عرض ۱۹۰ متر و ارتفاع آن از سطح جاده

به سمت جنوب غرب تغییر مسیر می‌دهد. و جریان آب در این نقطه تقریباً بر دشت سوار است و جداکردن نهرها و کانال آب از آن برای کشاورزی راحت است. این نهرها و کانال های آب که از گاماسیاب منشعب کرده‌اند، آب مورد نیاز را از ۱/۵ کیلومتری جنوب شرق محوطه تا داخل روستا و زمین های قابل کشت می‌رساند و این کانال‌ها هر ساله توسط اهالی لایروبی می‌گردند. احتمالاً این کانال های آبرسانی قدمت زیادی دارند و به گمان توسط ساکنان این محوطه در عصر مفرغ و آهن ایجاد و دوران های تاریخی توسعه و گسترش داده شده‌اند و امروزه روستائیان نیز از آنها بهره‌برداری می‌کنند. در حدود ۳۵۰ متری جنوب شرق محوطه تلی از رسوبات آبرفتی به صورت هلالی وجود دارد که متعلق به بستر قدیمی رودخانه گاماسیاب است. این موضوع نشان می‌دهد که در گذشته این رودخانه در این نقطه بارها در طی طغیان های شدید تغییر مسیر داده است. به گمان ساکنان اولیه این محوطه از این موضوع آگاهی داشته‌اند، بطوریکه در هنگام مکان‌یابی حریم سیل‌خیزی رودخانه را مدنظر داشته‌اند. این فاصله بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر تقریباً فاصله مناسبی برای در امان ماندن از طغیان های ناگهانی این رودخانه بوده است (شکل ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶).

### توصیف و تحلیل داده‌های سفالی

سفال‌های مفرغ قدیم (گودین IV): خمیره این سفال‌ها خاکستری با تمپرشن نرم است حرارت برای

پخت این سفال‌ها زیاد بوده و چرخ ساز می‌باشند. این سفال‌ها صیقل داده شده‌اند و از لحاظ ضخامت در طیفی از ظریف و متوسط می‌باشند. فرم این سفال‌ها شامل کاسه لبه برگشته به بیرون با بدنه شکم‌دار می‌باشد (شکل ۱۱: طرح ۱۱ و ۱۰ و ۹ و ۸)، کفه تخت (شکل ۱۱: طرح ۵)، کاسه‌های دسته دار (شکل ۱۱: طرح ۱۲) می‌باشد، این سفال‌ها از نظر فرم و شکل قابل مقایسه با سفال‌های بدست آمده از یانیک تپه (Burny, 1964)، گوی تپه (Brown, 1951)، لرستان شرقی (Young & Smith, 1966) و دوره IV گودین تپه کنگاور (Rothman, 2011; Henrickson, 1989) می‌باشد. در دشت نهاوند ۱۶ محوطه دارای این نوع سفال (یانیق - کورا ارس) شناسایی شده که بیشترین تعداد این محوطه ها در بخش غربی دشت واقع هستند (طلایی و دیگران ۱۳۸۵). این سفال‌ها شاید بیانگر جامعه ای کوچنشین در این محوطه در دوره گودین IV می‌باشد. زیرا مطالعات پتروگرافی که بر روی این نوع سفال انجام شده این احتمال را قوت بخشیده که مردمان دارای این نوع سفال دارای زندگی مبتنی بر کوچ بوده‌اند (Mason & Cooper, 1999: 27). امروزه نیز کوچ‌نشینان و عشایر ترکاشوند بعد برگشت از گرمسیر (نواحی شمالی خوزستان) تمام مدت اطراق خود را غرب دشت نهاوند به سر می‌برند. از دلایل آن دسترسی به آب فراوان پس چر مزارع و پوشش گیاهی مناسب می‌باشد که این بخش از سایر بخش‌های نهاوند

سفال‌های بدست آمده از ماهیدشت، خوزستان، بین‌النهرین و شوش IV<sub>A</sub> و V<sub>b</sub> (هول ۱۳۸۱)، تپه نورآباد لرستان (سیدسجادی و سامانی ۱۳۷۸)، دشت توپسرکان، اسدآباد و کنگاور (محمدی فر و مترجم ۱۳۸۲)، و دشت ملایر (Howell, 1979) و سفال‌های بره فراخ نهاوند (Henrickson, 1986) و سفال‌های عصر مفرغ تپه ازنهری (هژبری و میرقادی ۱۳۹۲) می باشند. تعدادی سفال با پوشش گلی قرمز غلیظ نیز جمع‌آوری شد که دارای تمپر ماسه و به علت حرارت کم پخت سفال مغز آنها بصورت سیاه در آمده بود و در روی برخی از این سفال‌ها که شاخص نبودند اثر حرارت دیده می‌شد که احتمالاً این نوع سفال‌ها در کوره‌های باز پخته شده‌اند. این نوع سفال با پوشش قرمز غلیظ در گودین 6-III<sub>4</sub> بدست آمده است (هنریکسون ۱۳۸۱). این گونه ظروف سفالی و کاسه‌های با پوشش قرمز غلیظ در دوره گودین II نیز مرسوم بود و ساخت آنها ادامه پیدا می‌کند (بنگرید به Gopnik, 2011)، اما فرم لبه آنها با سفال‌های قرمز براق گودین 6-III<sub>4</sub> تا حدودی متفاوت است که به کاسه یا ظروف لبه مثلثی (Triangle Ware) شناخته می‌شوند (بنگرید به Khatchadourian, 2018). این ظروف در دوره هخامنشی تا اوایل دوره اشکانی نیز مرسوم بوده‌اند (Dyson, 1999).

مساعدرتر و غنی‌تر است (بنگرید به نوراللهی ۱۳۹۰ و طلائی و دیگران ۱۳۹۳).

### سفال‌های منقوش مفرغ میانی و جدید (گودین-III<sub>2</sub>)

6: خمیره این سفال‌ها نخودی با تمپر شن نرم و حرارت برای پخت این سفال‌ها کافی بوده و چرخ ساز می‌باشند و از لحاظ ضخامت در طیفی از ظریف، متوسط و خشن هستند. نقوش با رنگ سیاه و قهوه ای بر روی زمینه نخودی ترسیم شده است. تزئینات شامل نوارهای پهن و باریک افقی بر روی لبه داخلی و بیرونی و بدنه ظروف (شکل ۱۱: طرح ۱۹ و ۱۸ و ۱۳ و ۷)، دوایر متحد‌المركز (شکل ۱۱: طرح ۱۵)، نوارهای باریک و پهن افقی به همراه خطوط موج (شکل ۱۱: طرح ۴)، نوارهای باریک و پهن بر روی لبه داخلی و بیرونی به همراه خطوط متقاطع بر روی بدنه ظروف (شکل ۱۱: طرح ۱۴)، نقوش کنده دایره‌ای (شکل ۱۱: طرح ۶)، نقوش برجسته هلالی زیر لبه ظریف (شکل ۱۱: طرح ۲) می‌باشد.

فرم این سفال‌ها شامل بدنه‌های ساده (شکل ۱۱: طرح ۱۵ و ۴)، لبه برگشته به بیرون با بدنه شکم دار (شکل ۱۱: طرح ۱۹ و ۱۸ و ۱۴ و ۷ و ۲)، لبه تخت با بدنه اریب (شکل ۱۱: طرح ۱۳) و یک قطعه دسته ظرف (شکل ۱۱: طرح ۶) می‌باشد. این سفال‌ها قابل

مقایسه با سفال‌های گودین III

Young, 1969, 1974; Henrickson, 1984, 19 (86)، باباجان لرستان (Goff, 1971)، و گیان (Contenau and Ghirshman, 1935) و



جوانب است و سطح قاعده‌ی آن تقریباً بیضی شکل به طول شرقی-غربی ۳۶۰ متر و عرض شمالی-جنوبی ۱۶۰ متر و ارتفاع آن از سطح جاده کنارش ۱۲ متر است امروزه بر روی این محوطه آثار بقایای منازل مسکونی روستای قدیم شریف‌آباد که احتمالاً در اثر زلزله سال ۱۳۳۷ تخریب شده، وجود دارد، این بناها همگی از خشت و چینه ساخته شده‌اند در میان دیوارهای خشتی و چینه‌ای سفال شکسته‌هایی بصورت پراکنده دیده می‌شود. به‌علت اینکه هر ساله کشاورزان برای کود دهی و تسطیح زمین‌های خویش از خاک بخش شرقی و شمالی و فوقانی و بخش‌های دیگر تپه برداشت می‌کنند، یکی از دلایل کم بودن ارتفاع این بخش نسبت به بخش A را می‌توان همین موضوع دانست که آثار این برداشت‌ها بصورت ترانشه‌های با عمق حدود ۵ تا ۵ متر و طول عرض بیش از ۱۰ متر باقی مانده است و هر ساله بر وسعت و عمق و پیشروی این ترانشه‌ها افزوده می‌شود، این موضوع در کنار برداشت خاک محوطه برای خانه سازی خود گویای عمق تخریبی است که هر ساله در این محوطه صورت می‌گیرد. علاوه بر این آثار حفاری‌های قاچاق نیز بر روی این محوطه دیده می‌شود که باعث تخریب قسمتهایی سالم یا کمتر دست خورده از آن گردیده است (شکل ۶-۷، ۹، ۱۰).

هنگام بازدید در میان خاک‌های جابجا شده لاشه

سفال‌های عصر آهن (گودین II) ۳: سفال‌هایی با خمیره نخودی با تمپر ماسه نرم و حرارت برای پخت این سفال‌ها کافی و چرخ‌ساز می‌باشند و از لحاظ ضخامت متوسط هستند، فرم این سفال‌ها شامل کاسه‌های دهانه باز (شکل ۱۱: طرح ۱، ۳، ۱۶ و ۱۷)، لبه‌های عمودی (شکل ۱۱: طرح ۳)، (بنگرید به Gopnik, 2011: 285-311; Gopnik, 2000). این سفال‌ها قابل مقایسه با سفال‌های گوی تپه A (Brown, 1951)، حسنلو IV & Dyson (Muscarella, 1989)، دینخواه II (Muscarella, 1989)، (1974)، هفتون IV (Burny, 1973)، باباجان III (Goff, 1971)، نورآباد، ماهیدشت، هلیلان و رومشگان و نواحی همجوار می‌باشد.

سفال‌های دوره اسلامی از سطح محوطه سفال‌هایی با لعاب سبز رنگ (کفه‌های پایه‌دار) و سفال‌هایی با نقاشی زیر لعاب (نقوش بصورت خطوط افقی به رنگ قهوه‌ای زیر لعاب سبز) بدست آمد.

### شریف آباد B

بخش شریف‌آباد (B)، ادامه بخش جنوبی‌تر (شریف آباد (A)، است. در محل به تپه کوچک شریف‌آباد (B) معروف است و در واقع ادامه آن است. در ارتفاع ۱۴۷۰ متری از سطح دریا واقع شده است از نظر وضعیت توپوگرافی تپه دارای شیب ملایم به تمام

۳ - بعدها مطالعات شاگردان دایسون و بازنگری داده‌های حاصل از کاوش‌های لایه ۵ حسنلو که این بازنگری توسط مایکل دانتی صورت گرفت. در برآیندهای تاریخ‌های کربن ۱۴ دایسون در حسنلو، تاریخ‌گذاری‌های پیشین دچار دگرگونی شد. برپایه بازنگری انجام یافته، دوره حسنلوی ۵ دیگر عصر آهن I محسوب

نمی‌شود و مربوط به دوره مفرغ پایانی است. بنابراین تاریخ آغاز این دوره در محوطه حسنلو ۱۲۵۰ پ.م. میلاد تعیین شد که مبنایی برای گاهنگاری عصر آهن در کل فلات ایران محسوب می‌شود (Danti & Cifarelli, 2015; Danti, 2013a; Danti, 2013b).

۳ - بعدها مطالعات شاگردان دایسون و بازنگری داده‌های حاصل از کاوش‌های لایه ۵ حسنلو که این بازنگری توسط مایکل دانتی صورت گرفت. در برآیندهای تاریخ‌های کربن ۱۴ دایسون در حسنلو، تاریخ‌گذاری‌های پیشین دچار دگرگونی شد. برپایه بازنگری انجام یافته، دوره حسنلوی ۵ دیگر عصر آهن I محسوب

لبه (شکل ۱۲: طرح ۶); نقوش نواری و موج با مثلث‌های هاشور زده (شکل ۱۲: طرح ۸)، نقوش نواری و موج به همراه نقوش دالبری (شکل ۱۲: طرح ۱۱)، نقوش نواری باریک با نقوش دالبری و خطوط موج و نقوش گیاهی بر روی بدنه ظروف (شکل ۱۲: طرح ۹). نقش استلیزه یک بز با نقوش نواری و موج، نقوش نواری و خطوط موج با دواير متحدالمركز، نقوش حیوانی شامل پرندگان که سر آنها به سمت چپ است، خطوط موج با نقوش نواری، نقوش نردبانی بر روی دسته یک ظرف، نقوش نواری پهن و باریک افقی و عمودی به همراه خطوط موج است. فرم این سفال‌ها شامل کاسه با لبه‌های ساده قائم (شکل ۱۲: طرح ۱۰-۱۳)، برگشته به بیرون با بدنه شکم‌دار (شکل ۱۲: طرح ۷) و بدنه‌هایی که اکثر شکسته‌اند و نقش برجسته‌ای بصورت افقی بر روی آنها دیده می‌شود (شکل ۱۲: طرح ۶). این سفال‌ها قابل مقایسه با سفال‌های هفتوان IV (Hamlin, 1973)، طبقه IV دینخواه (Hamlin, 1974)، گیان (Hamlin & Contenau, 1935 Ghirshman)، گودین (Young, 1969)، تپه نورآباد لرستان (سیدسجادی و سامانی، ۱۳۷۸)، تپه مرکزی باباجان لرستان (Goff, 1976)، دشت اسدآباد و تويسرکان و کنگاور (محمدی‌فر و مترجم ۱۳۸۲)، و دشت ملایر (Howell, 1979) و نواحی همجوار (بنگرید به Henrickson, 1986) می‌باشد. سفال‌های نخودی با پوشش لعاب گلی قرمز و تمپر ماسه نرم، حرارت برای پخت این سفال‌ها در

سنگ‌ها و سنگ‌های رودخانه مشاهده شد که احتمالاً متعلق به پی دیوارهای منازل مسکونی بوده که بر اثر خاکبرداری تخریب شده‌اند. دسترسی به تپه فوق از طریق جاده آسفالت‌های که از روستای کهریز جمال بطرف روستای شریف‌آباد کشیده شده، میسر است جاده فوق در ضلع شرقی تپه با جهت شمالی - جنوبی کشیده شده است و یک جاده خاکی روستایی نیز از روی این محوطه می‌گذرد که مورد استفاده اهالی روستا برای دسترسی به زمین‌هایشان در غرب محوطه است. در شرق تلی کم ارتفاع رسوبی به طول ۳۸۰ متر و عرض ۹۵ متر (در پهن‌ترین بخش) بصورت غربی-شرقی وجود دارد که ارتفاع آن از زمین‌های اطراف ۳ تا ۴ متر است. در روی بخش غربی این بلندی گورستان اهالی قرار دارد. در بررسی آثار سطحی دال بر استقرار دیده نشد، احتمالاً تشکیل آن ناشی از رسوبات گاماسیاب در هنگام طغیان و سیل بوده است (شکل ۲، ۶-۱۰).

### توصیف و تحلیل داده‌های سفالی

سفال‌های منقوش مفرغ میانی و جدید (گودین-III<sub>2</sub>)  
 ۶: خمیره این سفال‌ها نخودی با تمپر ماسه نرم است حرارت برای پخت این سفال‌ها کافی بوده و چرخ‌ساز می‌باشند نقوش روی این سفال‌ها با رنگ سیاه و قهوه‌ای بر روی زمینه نخودی ترسیم شده است تزئینات شامل نوارهای افقی بر روی بدنه (شکل ۱۲: طرح ۱) نقوش نواری بر روی لبه (شکل ۱۲: طرح ۲)، نقوش افزوده هلالی در زیر

تپه (Young 1969; Young & Levine, 1974)،  
دینخواه II (Muscarella, 1974)، گوی تپه  
A (Brown, 1951)، هفتوان (Burny, 1973)  
IV و (Young & Levine, 1974) می باشد.

**سفالهای دوران تاریخی:** خمیره این سفالها  
نخودی با تمپر شن با دانه های آهکی است که  
حرارت برای پخت آنها کافی بوده و چرخ ساز می  
باشند. فرم این سفالها شامل خمیره های ذخیره  
آذوقه (شکل ۱۲: طرح ۴ و ۳)، ظروفی با لبه کمی  
برگشته به بیرون با زاویه ای ملایم در  
بدنه (شکل ۱۲: طرح ۷) است.

**سفالهای دوره اسلامی:** خمیره این سفالها نخودی  
با تمپر شن و ماسه است. حرارت برای پخت آنها  
کافی بوده و چرخ ساز می باشند. تزئینات شامل نقوش  
برجسته نواری است. شامل بدنه های ساده و  
دسته های اضافه شده به بدنه ظروف می باشند.

### گاهنگاری

به علت مخدوش بودن لایه نگاری گیان و اینکه  
کاوشگران آن از روش متریک برای ثبت و ضبط  
تغییرات لایه ها استفاده کرده بودند، متاسفانه علی رغم  
کاوش گسترده در آن توالی فرهنگی و گاهنگاری در  
آن قابل اعتماد نیست و نمی توان برای گاهنگاری  
یافته های باستانشناسی دشت نهند به آن استناد کرد.  
تاکنون پیشنهاد های مختلفی برای تصحیح گاهنگاری

برخی موارد ناکافی و چرخ ساز می باشند، این سفالها  
صیقل داده شده اند و از نظر ضخامت ظریف هستند.  
فرم این سفالها شامل لبه های برگشته به بیرون با بدنه  
شکم دار، لبه های تخت با بدنه عمودی (شکل ۱۲: طرح  
۱۰ و ۱۳)، لبه های تخت با دسته عمودی  
(شکل ۱۲: طرح ۹)، سفال های با پوشش قرمز غلیظ که  
شامل کاسه های دهانه باز و لبه برگشته به داخل  
می باشد. بعلت حرارت ناکافی برای پخت سفال مغز  
آنها سیاه شده است. این گروه مشابه با سفال های فاز  
ماران<sup>۴</sup> با پوشش قرمز براق و گودین III<sub>6</sub> در گودین  
تپه است. اما سفال خوش ساخت صیقلی با پوشش  
قرمز نخستین بار در لایه III<sub>5</sub> پدیدار  
می شود (هنریکسون ۱۳۸۱: شکل ۵۹: ۷، ۹، ۱۲) و تا دوره  
گودین III<sub>4</sub> ادامه داشته است (هنریکسون ۴۱۶  
و ۴۱۴: ۱۳۸۱؛ Henrickson 1984, 1991, 2011؛  
نوراللهی ۱۳۹۴: ب: ۲۱) که همزمان با دوره شوش A  
می باشند (Voight et al, 1992: 163).

**سفالهای آهن (گودین II):** ظروفی با لبه برگشته با  
زاویه ای ملایم در بدنه با دو دسته کوچک چسبیده  
به بدنه (شکل ۱۲: طرح ۵) می باشد. این سفالها  
همزمان و مشابه سفال های عصر آهن  
باباجان III (Goff, 1968) و سفال های ماهیدشت،  
هلیلان و رومشگان (Henrickson, 1986)، دشت  
ملایر (Howell, 1979)، گودین II در گودین

<sup>۴</sup> - این سفالها برای اولین بار در کاوش های محوطه چغاماران کرمانشاه  
بدست آمدند.

آمد و علاوه بر این سفال‌ها، سفال‌های متعلق به دوران تاریخی (اشکانی - ساسانی) و اسلامی نیز در سطح محوطه بصورت پراکنده در بررسی سطحی جمع‌آوری گردید. با توجه به حجم انباشت رسوبات در اطراف این محوطه احتمالاً وسعت آن بیشتر است که بخشی از آن توسط رسوبات پوشانده شده است و از طرف دیگر در میان زمین‌های کشاورزی اطراف سفال‌های متعلق به دوره تاریخی تا اسلامی بصورت پراکنده دیده می‌شود. این محوطه استقرار براساس بررسی دارای استقرارهایی از دوره مفرغ قدیم تا عصر حاضر (آثار دیوارها و منازل خشتی و چینه روستائیان و همچنین برخی از منازل مسکونی که بر روی بخشی از آن بنا شده) می‌باشد. هرچند که در برخی از دوران‌ها آثاری بدست نیامده است. ممکن است در این دوران‌ها این محوطه متروک شده و استقرار در آن دچار وقفه گردیده باشد. تنها کاوش‌های علمی باستان‌شناسی می‌تواند راهگشای این موضوع باشد.

### نتیجه‌گیری

محوطه شریف‌آباد (A و B) در فاصله ۴۰۰ متری از کرانه شمالی گاماسیاب و در میان رسوبات آبرفتی واقع است. این محوطه با توجه به وسعت زیاد آن بصورت دوبخش مجزا از هم بررسی شد، هرچند داده‌های سطحی جمع‌آوری شده از سطح هر دو بخش یکسان و همانند هستند و هیچگونه ناهمگونی بین داده‌های سطحی مشاهده نمی‌شود. بخش A

گیان ارایه شده است که مهمترین آن گاهنگاری است که توسط هنریکسون بر پایه لایه نگاری و داده‌های باستان‌شناسی گودین انجام گرفته است (Henrickson, 1982, 1984), (شکل ۱۴).

گاهنگاری دوره گودین III در تپه گودین بر اساس منابع تاریخی بین‌النهرین و سپس تسلسل فرهنگی دشت خوزستان تنظیم شده است<sup>۵</sup> و این موضوع در مدارک سفالی به خوبی بازتاب یافته و تأیید شده است. براین اساس با پایان گودین IV: ۱:۱ در حدود ۲۷۰۰ پ.م (Potts, 2013:207; Rothman & Badler, 2011) و گودین III در برگیرنده بازه زمانی ۲۶۰۰ - ۱۴۰۰ پ.م. است (Henrickson, 1985:570). گودین III به شش فاز تقسیم شده، گودین III<sub>6</sub> (۲۳۰۰ - ۲۶۰۰ پ.م.)، III<sub>5</sub> (۲۲۵۰ - ۲۱۵۰ پ.م.)، III<sub>4</sub> (۲۰۰۰ - ۲۱۰۰ پ.م.)، III<sub>3</sub> (در این زمان گودین چندین بار دچار وقفه شده بنابراین گاهنگاری مشخصی برای آن ارایه نشده است)، III<sub>2</sub> نشان‌دهنده اوج همگونی فرهنگی و بیانگر رشد اقتصادی و شکل‌گیری سازمان‌های سیاسی یکپارچه در زاگرس مرکزی است (Henrickson, 1985, 1983, 2011:269; Henrickson, 1986). III<sub>1</sub> نیز به صورت محدود در گودین شناسایی و کاوش شده است (Henrickson, 1984), (شکل ۱۳ و جدول ۱۵).

در بررسی سطحی محوطه شریف‌آباد A و B سفال‌های از دوره گودین IV و III و عصر آهن بدست

بلندتر بخش B است که این اختلاف ارتفاع شاید متعلق به سازه‌های معماری باشد که در ادوار تاریخی و اسلامی بر روی آن ایجاد شده است. به ویژه اگر ارتفاع این بخش (A) را مدنظر قرار دهیم، به گمان این بخش اربابی یا ارگ این محوطه استقراری بوده است. شکل‌گیری و مکان‌یابی این محوطه استقراری به علت دسترسی به آب رودخانه گاماسیاب بوده است. هرچند امروزه این رودخانه از ۴۰۰ متری جنوب شرق آن می‌گذرد اما با توجه به اینکه این رودخانه در مسیر خود با پیچ و خم‌های زیادی است، در گذشته احتمالاً از نزدیک آن عبور کرده و همچنین در اینجا رودخانه به سمت جنوب غرب و به طرف کنگاور تغییر مسیر می‌دهد. جریان ملایم آن در این قسمت که همراه با رسوب‌گذاری است، سبب حاصلخیزی زمین شده و جریان آب تقریباً بر زمین‌های کشاورزی سوار است، در گذشته و حال استفاده از آب آن بصورت جدا سازی کانال‌ها و جوی‌ها برای آبیاری زمین‌های کشاورزی را فراهم آورده است و به‌نظر می‌رسد علاوه بر این در ادوار مختلف برای جلوگیری خسارت‌های ناشی از سیل و طغیان این رودخانه، فاصله ایمن و حریم آن را رعایت کرده‌اند. این محوطه استقراری محل به هم پیوستن راه‌های است که از دشت کنگاور، دشت هرسین و صحنه به نهاوند و مناطق شرقی آن است. امروزه در کناره مسیر قدیم مبادلاتی و ارتباطی که از نهاوند به کنگاور می‌رود قرار گرفته و در دوران عصر مفرغ و آهن به عنوان یک حلقه ارتباطی بین

محوطه‌های شرق نهاوند و نورآباد و بروجرد و گیان با گودین که در این زمان‌ها یکی از مراکز عمده سیاسی و اقتصادی بوده نقش ایفا می‌کرده و در آن شرکت داشته است، این موضوع در همگونی داده‌های سفالی این محوطه با گودین II و III بازتاب یافته است. علاوه بر آنچه گفته شد این محوطه با شمال غرب و محوطه‌های حوزه دریاچه ارومیه به ویژه در دوره گودین IV که در شمال غرب با نام فرهنگ کورا ارس شناخته می‌شود، نیز دارای تبادلات و ارتباطات فرهنگی بوده، شاید این تبادلات از مسیر گودین تپه در گنگاور انجام می‌گرفته است. به هر رو داده‌های سطحی نشان دهنده تداوم استقرار در این محوطه از دوره مفرغ قدیم (گودین IV) تا عصر آهن و دوران تاریخی و اسلامی می‌باشد، ممکن است در برخی از این دوران‌ها این تداوم دچار گسیختگی و گسست شده باشد، این موضوع فقط در پرتو کاوش‌های علمی باستانشناسی روشن خواهد شد.

### سپاسگزاری

در اینجا لازم می‌دانم که از آقای خزایی و آقای سلگی از اهالی خوب و باصفای روستای شریف‌آباد که در این بررسی و بازدید سال ۱۳۹۳ من را همراهی و راهنمایی کردند، تشکر و سپاسگزاری نمایم.

### منابع

۱. افراسیاب پور، علی اکبر، ۱۳۸۱، جغرافیای تاریخی نهاوند، انتشارات زهیر، قم.

۲. ایراندوست، محمود، ۱۳۷۹، نهاوند در دوره‌ی ساسانیان بر اساس مطالعات باستان شناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۳. رهبر، مهدی و سجاد علی بیگی، ۱۳۹۰، گزارش پژوهشهای باستان شناختی به منظور مکان یابی معبد لائودیسه در نهاوند مجله پیام باستان شناس، سال هشتم، بهار و تابستان، شماره ۱۵، صص ۱۳۳-۱۶۰.
۴. شایان، سیاوش، ۱۳۷۸، تعیین محدوده‌ی طبیعی شهرستان نهاوند، فصلنامه فرهنگیان شماره ۱، انتشارات بنیاد علیمرادیان.
۵. سیدان، سیدشمس‌الدین، ۱۳۷۹، نهاوند در هزاره‌های تاریخ، انتشارات آشتی، تهران.
۶. سعیدی هرسینی، محمدرضا، ۱۳۸۴، گزارش بررسی حوزه رودخانه گاماسیاب، سازمان میراث فرهنگی کشور (منتشر نشده).
۷. سراقی، نعمت‌الله، ۱۳۸۴، بررسی باستان شناختی دشت نهاوند، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان.
۸. خاکسار، علی، ۱۳۹۱، گمانه زنی به منظور تعیین عرصه تپه باستانی گیان، نهاوند، چکیده مقاله‌های یازدهمین گردهمایی سالانه باستانشناسی ایران، تهران، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور، ۱۵۹.
۹. سیدسجادی، سیدمنصور و نوروزعلی سامانی، ۱۳۷۸، گزارش یک فصل کاوش در تپه نورآباد، لرستان، در باستانشناسی و هنر ایران (۳۲ مقاله در بزرگداشت عزت‌الله نگهبان)، به کوشش عباس علیزاده، یوسف مجیدزاده و صادق ملک شه میرزادی، تهران، نشر دانشگاهی، صص ۸۵-۱۳۰.
۱۰. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۰، فرهنگ جغرافیایی شهرستانهای کشور: شهرستان همدان، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
۱۱. طلایی، حسن، علی نوراللهی، بهمن فیروزمندی، ۱۳۹۳، قوم باستان‌شناسی کوچ‌نشینی و ایل‌راه‌های غرب زاگرس مرکزی، جامعه‌شناسی تاریخی، پاییز و زمستان، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۶۳ تا ۱۹۵.
۱۲. طلایی، حسن، چایچی امیرخیز، احمد، سعیدی هرسینی، محمدرضا، ۱۳۸۵، گزارش مقدماتی بررسی الگوهای استقراری عصر مفرغ دشت نهاوند (سرچشمه کاماسیاب)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره ۵۷، شماره ۵، صص ۴۷-۶۵.
۱۳. ملکزاده، مهرداد، ۱۳۸۲، گمانه زنی، پی‌گردی، لایه‌نگاری، تعیین عرصه و حریم مقدماتی تپه‌ی گیان، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان.

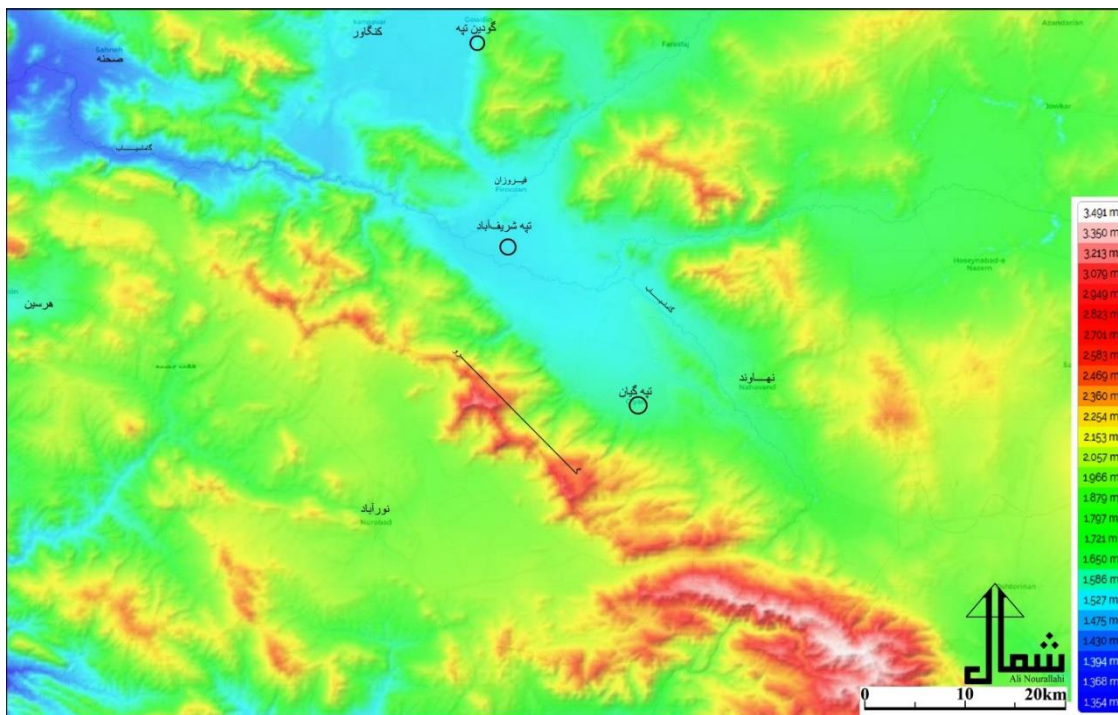
۱۴. محمدی فر، یعقوب و مترجم، عباس، ۱۳۸۲، بررسی باستان شناسی بخش خزل نهاوند، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان.
۱۵. میرقادری، محمدمامین و علی هژبری، ۱۳۹۲، تپه ازنهری محوطه‌های از عصر مفرغ میانی و جدید در نهاوند، در مجموعه مقالات همایش یکروزه نهاوند (در پاسداشت استاد مهدی رهبر) / گردآورنده اسماعیل رحمانی و علی خاکسار، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص ۲۰۴-۲۱۲.
۱۶. نوراللهی، علی، ۱۳۹۴ الف، قوم باستانشناسی اسامی برخی از کوه ها و رودهای زاگرس مرکزی، فصلنامه زریبار، سال نوزدهم، شماره ۸۷-۸۸، بهار و تابستان، صص ۳۶۱-۳۸۷.
۱۷. نوراللهی، علی، ۱۳۹۴ ب، چیا سرخ محوطه‌ای نویافته در حوزه رودخانه قرسو در کرمانشاه، فصلنامه فره وشی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۷-۲۸.
۱۸. نوراللهی، علی، ۱۳۹۰، بررسی قوم باستانشناسی کوچ‌نشینی و ایلراه‌های مناطق شمالی استان ایلام، فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۳۲-۳۳، صص ۹۳-۱۱۶.
۱۹. هنریکسون، رابرت، ۱۳۸۱، "گودین III و گاهنگاری غرب مرکزی ایران در حدود ۱۴۰۰-۲۶۰۰ پ.م"، در باستان شناسی غرب ایران، فرانک هول (ویراستار)، ترجمه زهرا باستی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، صص ۴۴۸-۴۰۴.
۲۰. هول، فرانک، ۱۳۸۱، در باستان شناسی غرب ایران، فرانک هول (ویراستار)، ترجمه زهرا باستی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۲۱. یانگ توماس، کایلر و وایز هروری، ۱۳۶۶، بازرگانان شوشی، ترجمه یوسف مجیدزاده، مجله باستانشناسی و تاریخ، شماره ۳، صص ۱۴-۲.
22. Burney, C.A. ,1964, 'The Excavations at Yanik Tepe, 1962: Third Preliminary Report' ,Iraq, vol.XXVI,pp.54-61.
23. Burney, C.A. ,1973, 'Excavation at Haftavan, 1971: 3rd. Preliminary Report' Iran XI: 158-172.
24. Burton Brown, T. ,1951, Excavation in Azerbaijan, 1948. London.
25. Contenau, G. and R, Girshman 1935, Fouilles du Tepe Giyan pres de Nihavend, 1931-1932, Paul Geuthner, Paris.
26. Danti, Michael and Megan Cifarelli, 2015, Iron II Warrior Burials at Hasanlu Tepe, Iran. , Iranica Antiqua, v.I, pp.61-157.
27. Danti, Michael, 2013a, The Late Bronze and Early Iron Age in



- Eastern Civilizations University of Toronto.
37. Gopnik, Hilary, 2011, The Median Citadel of Godin Period II, in: Hilary Gopnik and Mitchell S Rothman (eds.), On The High Road: The History of Godin Tepe Iran, Bibliotheca Iranica, Archaeology Art and Architecture series 1: 285-311.
  38. Goff, C., 1968. "Lūristān in the first half of the first millennium B.C.: a preliminary report on the First season's excavations at Bābā Jān, and associated surveys in the eastern Pīsh-i-Kūh", Iran 6: 105-134.
  39. Goff, C., 1971. "Luristan before the Iron Age", Iran 9: 131-152.
  40. Goff, C., 1976. "Excavations at Baba Jan: the Bronze Age occupation", Iran, vol. 14, pp. 19-40.
  41. Hamlin, Carol, 1973, the 1971 Excavation at seh Gabi, Iran, Archaeology, vol. 26, pp. 224-227.
  42. Hamlin, Carol, 1974, The Early Second Millennium Ceramic Assemblage of Dinkha Tepe, Iran, vol. XII, pp. 125-155.
  43. Hemati Azandaryani, E. and A. Khaksar, 2013. "A newly-found diagnostic Bronze-Age burial from Tapeh Giyan, Nahavand, Iran", Archaeology 2 (3): 47-51.
  44. Herzfeld, E., 1929. "Bericht liber archaologische beobachtunggen im Sudlichen Kurdistan und im Luristan", AMI 1: 65-73.
  45. Henrickson, R. C. 1983. "Šimaški and Central Western Iran: The Archaeological Evidence." Zeitschrift für Assyriologie 74: 98-122.
  46. Henrickson, R. C. 1985. The Chronology of Central Western Iran 2600-1400 B. C., American Journal of Archaeology 89 (4): 569-581.
  - Northwestern Iran, in The Oxford Handbook of Ancient Iran, Ed. Daniel T. Potts, pp. 376-327.
  28. Danti, Michael D., 2013b, Hasanlu V: The Late Bronze and Iron I Periods, with contributions by Megan Cifarelli, University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology by the University of Pennsylvania Press.
  29. Dyson, R. H. and O. W. Muscarella (1989). "Constructing the chronology and historical implications of Hasanlu IV." Journal of Persian Studies: 1-27.
  30. Dyson, R.H., 1999, Triangle-Festoon Ware Reconsidered, Iranica Antiqua, vol. 34, pp. 115-144.
  31. Stein. Aurel, 1940, Old routes of western Iran: Narrative of an archaeological journey carried out and recorded, Macmillan and Co, London.
  32. Rothman, M. S., 2011. Migration and re-settlement in Godin period IV, in: Gopnik, H., and Rothman, M., (eds.), On the high road: the history of Godin Tepe Iran, Royal Ontario Museum/Mazda Press, 139-208.
  33. Rothman, M. S and Badler, V. R., 2011 Contact and Development in Godin Period VI. in: Hilary Gopnik and Mitchell S Rothman (eds.), On the high road: the history of Godin Tepe Iran, Royal Ontario Museum/Mazda Press, 67-137.
  34. Pullar J. 1990. Tepe Abdul Hosain: a Neolithic Site in Western Iran. Excavations 1978. BAR IS 563. Archaeopress. Oxford.
  35. Pullar, J., 1975, The Neolithic of the Iranian Zagros, Thesis (Ph.D.), University College London (University of London).
  36. Gopnik, Hilary, 2000, The Ceramics of Godin II: Ceramic Variability in the Archaeological Record, PhD thesis, Department of Near and Middle



54. Howell, R., 1979. Survey of the Malayer Plain, Iran, XVII: 156-157.
55. Khatchadourian, L. 2018, Pottery typology and craft learning in the Near Eastern highlands, *Iranica Antiqua*, vol.53,pp.179-265.
56. Muscarella, O.W. ,1974, The Iron Age at Dinkha Tepe,Iran, *Metropolitan Museum Journal* 9: 35-90.
57. Mason, R., and Cooper, L.1999 Grog, Petrology, and Early Transcaucasians at Godin Tepe, Iran,Vol.XXXVII, pp.25-31.
58. Potts, D. T. 2013. Luristan and the central Zagros in the Bronze Age. In: Pott, D. T(ed), *The Oxford Handbook of Ancient Iran*. Oxford University Press: 203- 217.
59. Voight, Mary. M and Robert, H.Jr Dyson, 1992,The chronology of Iran Ca. 8000-2000 B.C", in *Chronology of old world*, Third edition, Robert Erich( Ed), University of Chicago Press, Vol. 1, Pp: 122-178, Vol.2, Pp: 125-153.
60. Young, T. C., and L. D. Levine. , 1974, Excavations of the Godin Project: Second Progress Report. Toronto: Royal Ontario Museum.
61. Young ,T., Cuyler. Jr, 1969, Excavation at Godin Tepe: First progressive report, Royal Ontario Museum (ROM).
62. Young, T. C. Jr. and Smith, P. E. L. 1966. Research in the Prehistory of Central Western Iran, *American Association for the Advancement of Science* 153 (3734): 386-391.
47. Henrickson, R. C. 1986. A Regional Perspective on Godin III Cultural Development in Central Western Iran, *Iran* 24: 1-55.
48. Henrickson, R. C. 1991.The Bronze Age in Northwestern, Western, and Southwestern Persia, *Encyclopaedia Iranica*, Vol. V, Fasc. 3, pp. 288-294.
49. Henrickson, R. C. 2011. The Godin Period III Town. In: Hilary Gopnik and Mitchell S Rothman (eds.), *On the High Road: The History of Godin Tepe Iran*, *Bibliotheca Iranica, Archaeology Art and Architecture series*1: 209-282.
50. Henrickson, R. C., 1984. Godin Tepe, Godin III, And Central Western Iran, 2600-1500 B.C. Ph.D. Dissertation, Department of Near Eastern Studies, University of Toronto.
51. Henrickson, R. C., 1985. The Chronology of Central Western Iran 2600-1400 B. C., *American Journal of Archaeology*, Vol. 89, No. 4 , pp. 569-581.
52. Henrickson, R. C. 1989. The Buff and the Grey: Ceramic Assemblages and Cultural Process in the Third Millennium B.C. Central Zagros, Iran. In *Cross-Craft and Cross-Cultural Interaction in Ceramics IV*, edited by M. R. Notis and P. E. McGovern, 81–146. Westerville, OH: AmericanCeramic Society.
53. Henrickson, R. C., 1982, the Bronze Age in Northwestern, Western and Southwestern Persia", in *Encyclopedia Iranica*, E. Yār Shāter(Ed), London and New York Routledge.



شکل شماره ۱: دشت نهاوند و ارتفاعات آن و موقعیت تپه شریف‌آباد (تنظیم ع. نوراللهی).



شکل شماره ۲ الف: چشم انداز محوطه شریف‌آباد (ع. نوراللهی).





شکل شماره ۲ب: محوطه شریف آباد، آثار روستای قدیم (ع. نوراللهی).



شکل شماره ۲ج: چشم انداز محوطه شریف آباد، روستا، کانال های آبرسانی و محیط پیرامون (ع. نوراللهی).





شکل شماره ۳: نمای غربی شریف آباد A، محل برداشت خاک آن توسط کشاورزان (ع. نوراللهی).



شکل شماره ۴: نمای ضلع جنوبی و آثار حفاری قاچاق (ع. نوراللهی).





شکل شماره ۵: نمای کلی ضلع جنوبی و کانال آبرسانی(ع. نوراللهی).



شکل شماره ۶: نمای کلی محوطه و آثار جای خاک برداشت شده و بناهای خشتی روستای قدیم شریف آباد(ع. نوراللهی).





شکل شماره ۷: نمایی از سطح فوقانی و چشم انداز شرق آن (ع. نوراللهی).



شکل شماره ۸: نمای شرقی محوطه و خانه های امروزی روستا در دامنه شرقی آن (ع. نوراللهی).

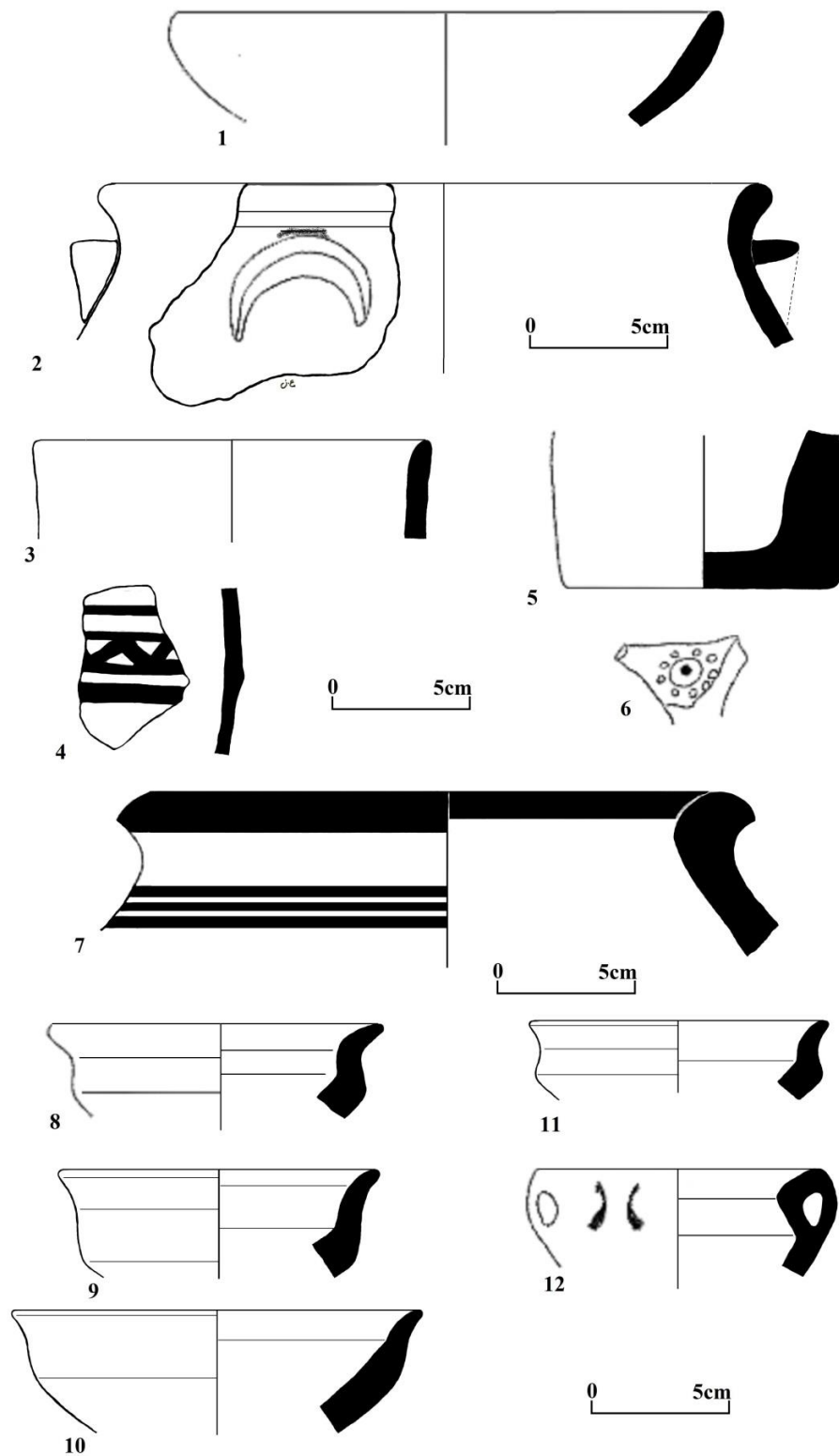




شکل شماره ۹: برداشت خاک توسط کشاورزان و چشم انداز جنوب محوطه (ع. نوراللهی).

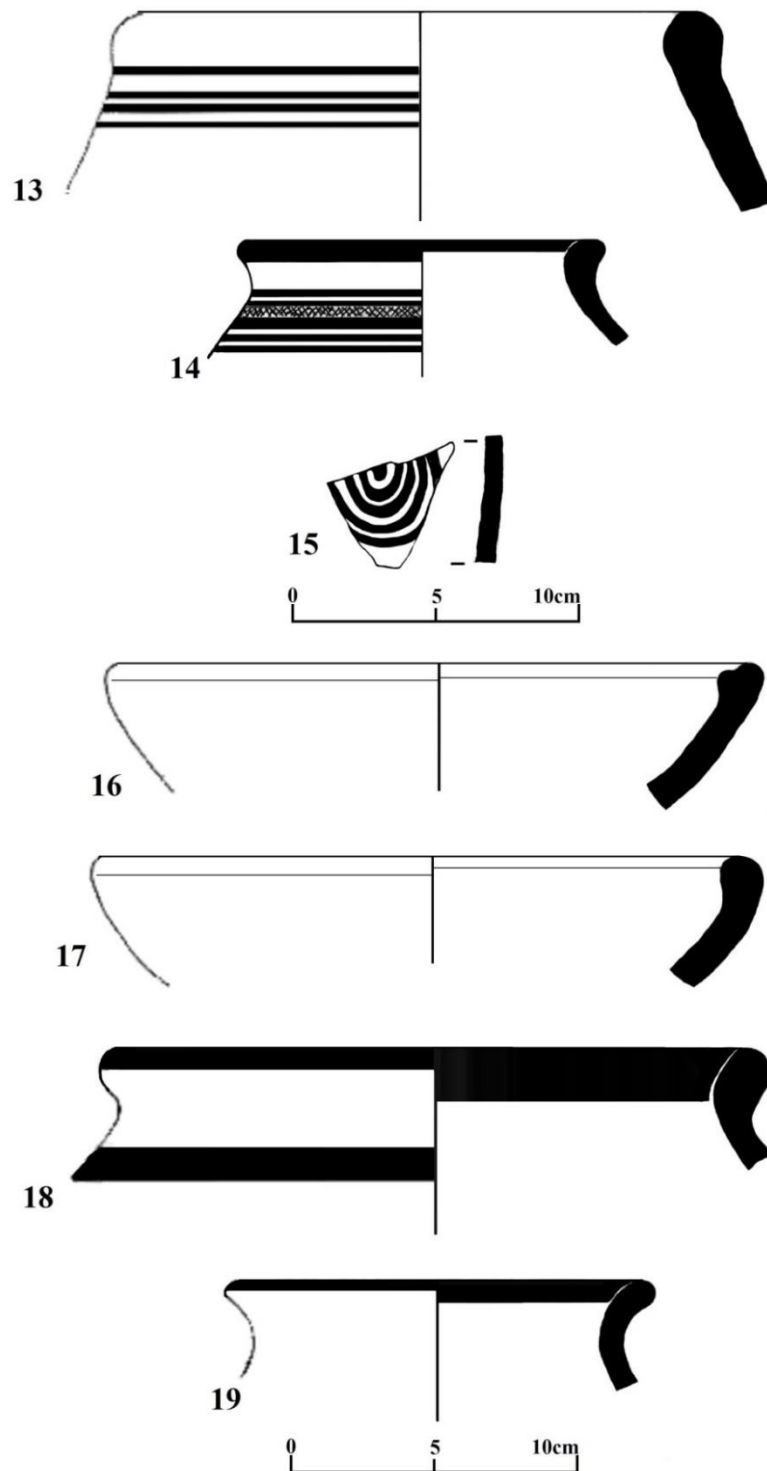


شکل شماره ۱۰: نمای شمالی محوطه و آثار منازل روستای قدیم و کوه گرو (ع. نوراللهی).



شکل شماره ۱۱: طرح سفال های سطحی بخش شریف آباد A (طراحی ع. نوراللهی).



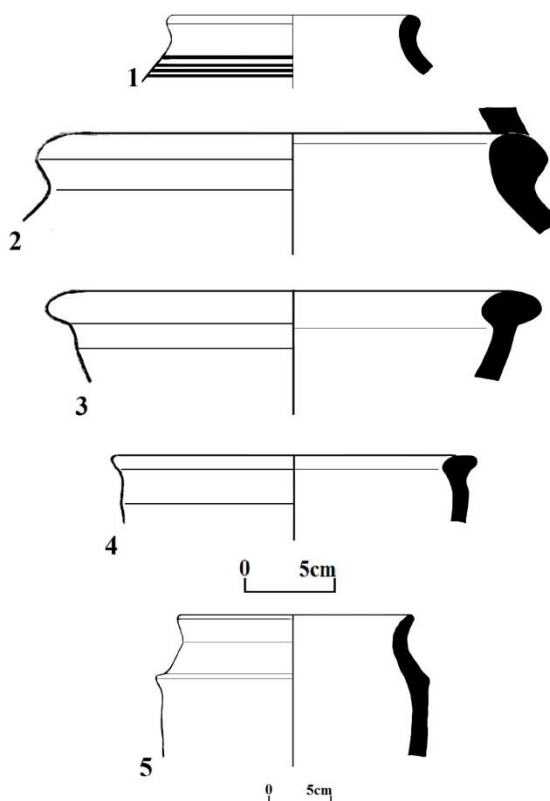


شکل شماره ۱۱: طرح سفال های سطحی بخش شریف آباد A (طراحی ع. نوراللهی).

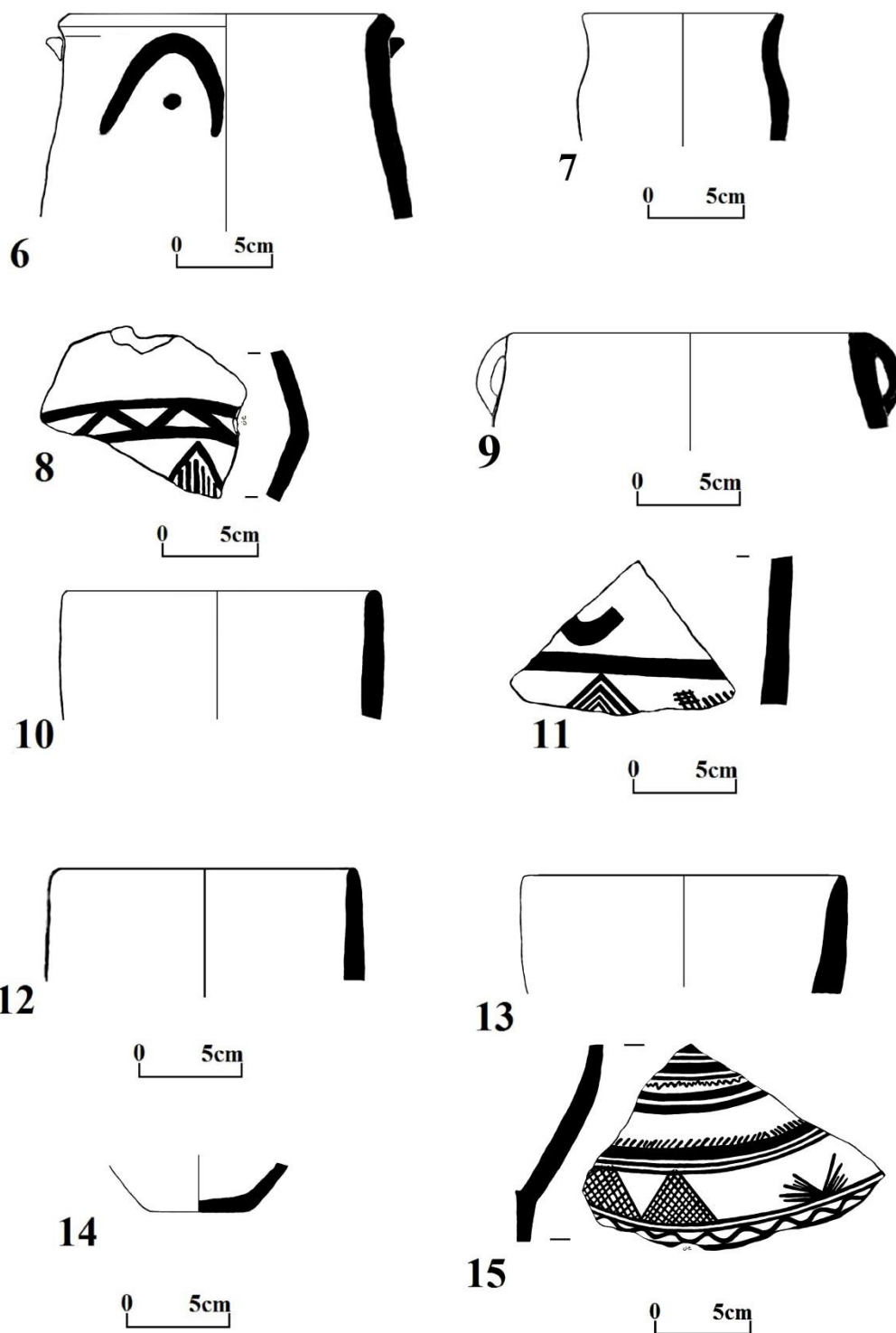
جدول شماره ۲: شرح سفال های شریف آباد A

شماره	نام محوطه	توضیحات (خمیره، تمپر، شیوه ساخت، حرارت، ضخامت،.....)	گاهنگاری
۱	شریف آباد A	نخودی- ماسه نرم - چرخ ساز- حرارت کافی- ساده - متوسط - لبه	گودین II
۲	شریف آباد A	نخودی- شن و ماسه نرم - چرخ ساز - حرارت کافی- ساده- ظریف - لبه (آشپزخانه ای)	گودین III6
۳	شریف آباد A	نخودی- ماسه نرم - چرخ ساز - حرارت کافی - ساده - ظریف - لبه	گودین II
۴	شریف آباد A	کرم- ماسه نرم- چرخ ساز- حرارت کافی- منقوش (نقوش هندسی به رنگ سیاه)- ظریف- بدنه	گودین III4-6
۵	شریف آباد A	نخودی- شن و ماسه نرم - چرخ ساز- حرارت کافی- ساده-خشن- کفه	گودین III4
۶	شریف آباد A	نخودی- ماسه نرم - چرخ ساز - حرارت کافی - ساده - متوسط - دسته	اسلامی
۷	شریف آباد A	نخودی- شن و ماسه نرم - چرخ ساز - حرارت کافی منقوش - خشن - لبه	گودین III4-6
۸	شریف آباد A	خاکستری ماسه نرم -- چرخ ساز حرارت زیاد - ساده - متوسط	گودین IV
۹	شریف آباد A	خاکستری - ماسه نرم- چرخ ساز - حرارت زیاد- ساده - متوسط	گودین IV
۱۰	شریف آباد A	خاکستری - ماسه نرم- چرخ ساز - حرارت زیاد ساده - متوسط	گودین IV
۱۱	شریف آباد A	خاکستری- ماسه نرم- چرخ ساز - حرارت زیاد- ساده - متوسط	گودین IV
۱۲	شریف آباد A	نخودی- شن دانه درشت- چرخ ساز- حرارت- کافی ساده- متوسط- لبه دسته دار	گودین IV
۱۳	شریف آباد A	نخودی- ماسه نرم- چرخ ساز- حرارت کافی- منقوش با نقش کنده- ظریف- لبه	گودین III2-6

گودین III2	نخودی- ماسه نرم-چرخساز-حرارت کافی-منقوش ظریف-لبه	شریف آباد A	۱۴
گودین III2-6	کرم- ماسه نرم - چرخساز- حرارت کافی منقوش - متوسط-بدنه	شریف آباد A	۱۵
گودین II	نخودی- ماسه نرم- چرخساز - حرارت کافی- ساده - متوسط-لبه	شریف آباد A	۱۶
گودین II	کرم - ماسه نرم- چرخ ساز - حرارت کافی- ساده - متوسط ، لبه	شریف آباد A	۱۷
گودین III2-6	کرم- ماسه نرم - چرخساز- حرارت کافی- منقوش ظریف-لبه	شریف آباد A	۱۸
گودین III2-6	نخودی- ماسه نرم - چرخساز-حرارت کافی- منقوش- متوسط - لبه	شریف آباد A	۱۹



شکل شماره ۱۲: طرح سفال های سطحی بنخش شریف آباد B (طراحی ع. نوراللهی).

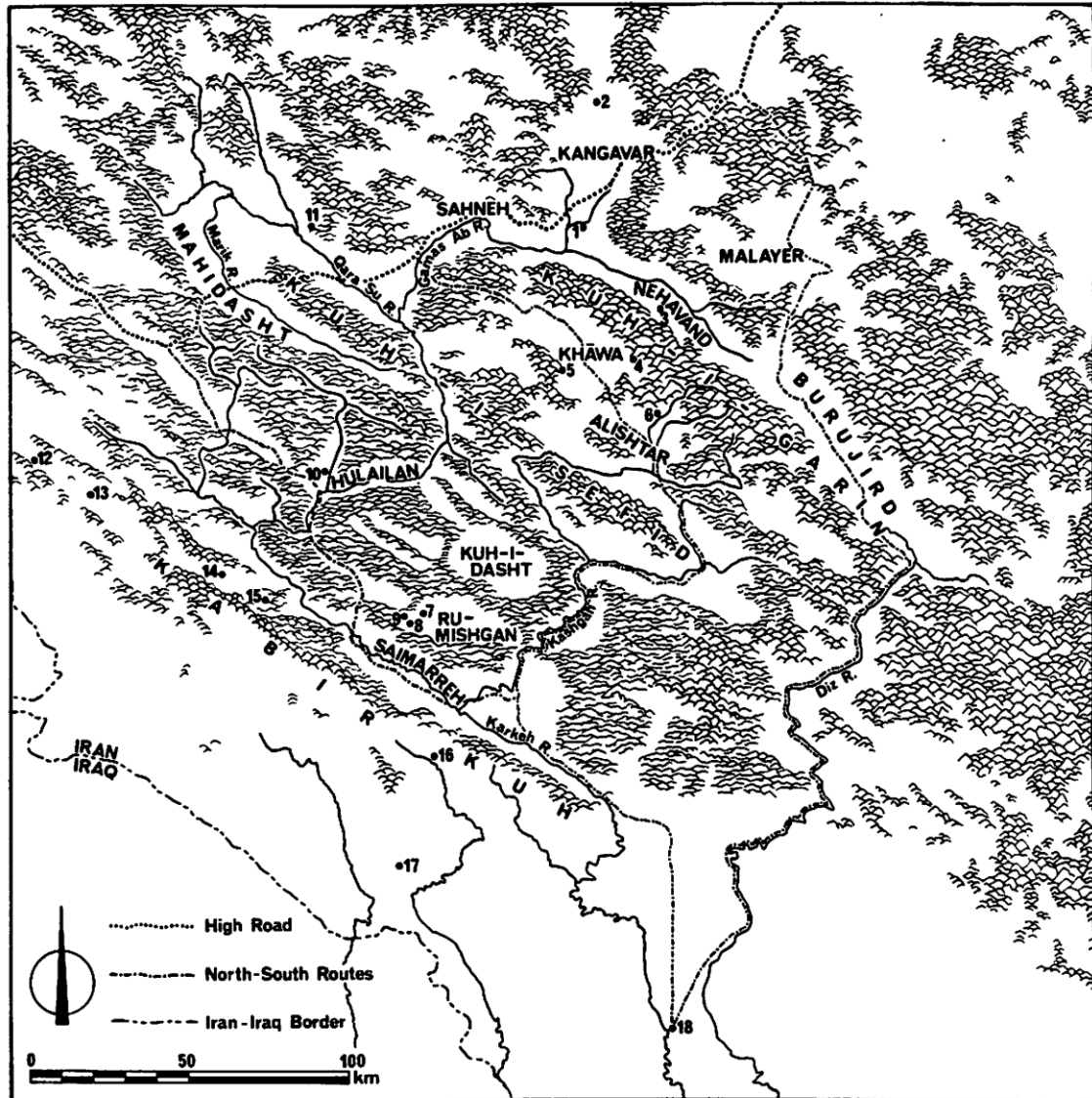


شکل شماره ۱۲: طرح سفال های سطحی بخش شریف آباد B (طراحی ع. نوراللهی).

جدول شماره ۳: شرح سفال های تپه شریف آباد B

شماره	نام محوطه	توضیحات ((خمیره، تمپر، شیوه ساخت، حرارت، ضخامت،.....))	گاهنگاری
۱	شریف آباد B	نخودی- ماسه با ذرات آهک -چرخساز -حرارت کافی- لعاب گلی- منقوش- ظریف- لبه	گودین III4-6
۲	شریف آباد B	آجری- خرده سفال با ذرات آهک- چرخساز -حرارت کافی- لعاب گلی- منقوش- متوسط- لبه	گودین III4-6
۳	شریف آباد B	نخودی- ماسه نرم- چرخساز -حرارت کافی- ساده- متوسط- لبه	دوران تاریخی
۴	شریف آباد B	نخودی- ماسه، ذرات آهک - چرخساز -حرارت ناکافی- لعاب گلی- ساده-ظریف- لبه	دوران تاریخی
۵	شریف آباد B	آجری- خرده سفال با ذرات آهک-چرخساز-حرارت کافی- لعاب گلی- ساده-متوسط- لبه	گودین II
۶	شریف آباد B	آجری-ماسه نرم- چرخساز -حرارت کافی- لعاب گلی- منقوش) نقش افزوده) - ظریف- لبه	گودین III4-6
۷	شریف آباد B	آجری- خرده سفال با کانی- چرخساز -حرارت کافی دودزده لعاب گلی- ساده- ظریف- لبه(آشپزخانه ای)	دوران تاریخی
۸	شریف آباد B	نخودی-ماسه با ذرات آهک وکانی- چرخساز- حرارت ناکافی- لعاب گلی -منقوش- ظریف-بدنه	گودین III4-6
۹	شریف آباد B	قرمز براق -ماسه نرم -چرخساز-حرارت کافی-ساده-متوسط- لبه با دسته	گودین III4-6
۱۰	شریف آباد B	قرمز براق- ماسه نرم- چرخ ساز -حرارت کافی- ساده- ظریف- لبه	گودین III4-6
۱۱	شریف آباد B	نخودی- کانی و ماسه نرم- چرخساز-حرارت کافی- منقوش- متوسط- بدنه	گودین III4-6
۱۲	شریف آباد B	قرمز براق -کانی و ماسه نرم-چرخساز -حرارت کافی- ساده- ظریف- لبه	گودین III4-6
۱۳	شریف آباد B	قرمز براق -ماسه نرم -چرخساز -حرارت ناکافی-ساده-متوسط- لبه	گودین III4-6

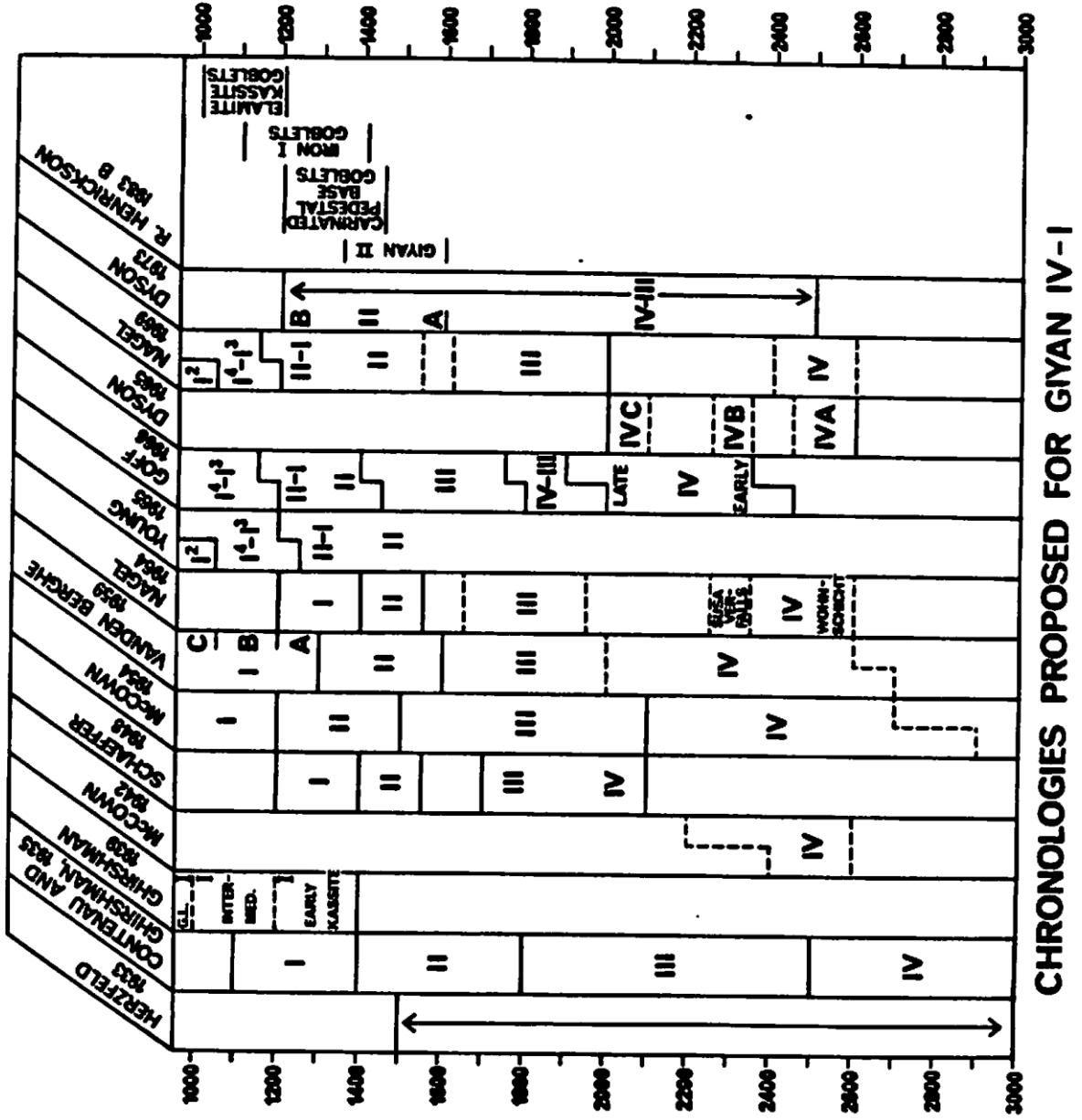
گودین III4-6	نخودی-کانی و ذرات میکا-چرخساز -حرارت کافی- ساده- ظریف- کفه	شریف آباد B	۱۴
گودین III4-6	نخودی- ماسه نرم- چرخساز -حرارت کافی- لعاب گلی- منقوش (نقوش هندسی به رنگ قهوه ای)- ظریف- بدنه	شریف آباد B	۱۵



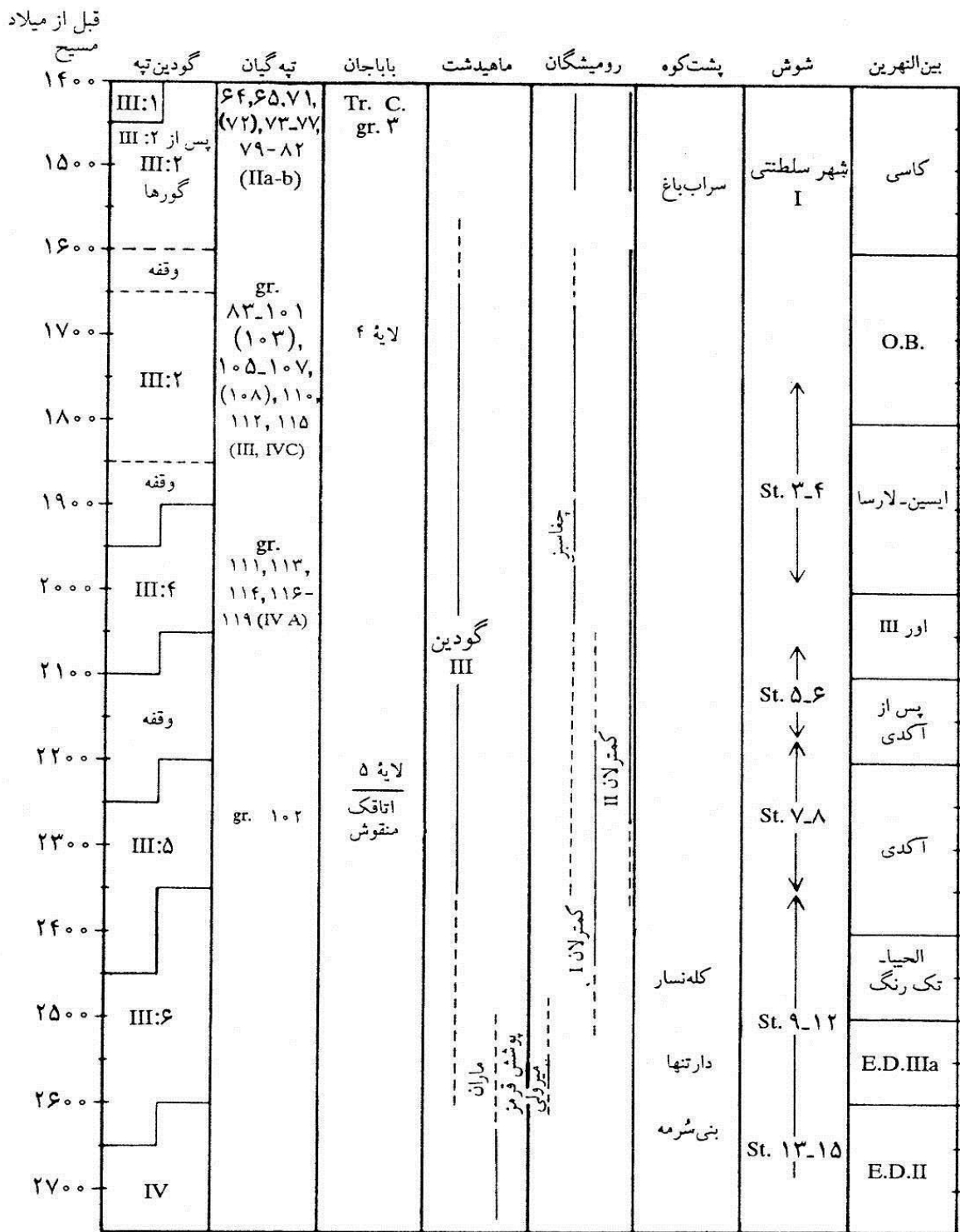
**SITES IN CENTRAL WESTERN IRAN ca. 2600 - 1500 B.C.**

- |                  |                  |                 |                  |                |
|------------------|------------------|-----------------|------------------|----------------|
| 1. GODIN TEPE    | 2. BAD KHOREH    | 3. TEPE GIYAN   | 4. TEPE JAMSHIDI | 5. BABA JAN    |
| 6. GIRAIRAN      | 7. KAMTARLAN     | 8. CHIGHA SABZ  | 9. MIRVALI       | 10. TEPE GURAN |
| 11. CHOGHA MARAN | 12. KALLEH NISAR | 13. BANI SURMAH | 14. MIR KHAIR    | 15. DAR TANHA  |
| 16. QABR NAHI    | 17. TEPE ALIABAD | 18. SUSA        |                  |                |

شکل شماره ۱۳: محوطه‌های عصر مفرغ زاگرس مرکزی (گودین III) (Henrickson, 1984).



شکل شماره ۱۴: گاهنگاری پیشنهادی توسط باستانشناسان برای محوطه گیان (Henrickson, 1984).



جدول شماره ۱۵: گاهنگاری غرب مرکزی ایران در سال‌های بین ۲۶۰۰-۱۴۰۰ پ.م. (هنریکسون ۱۳۸۱: شکل ۶۴)